

جمهوریت در خوانش دینی و اسلامی، حضوری فعال و آگاهانه است. جمهور مسلمان کنشگر آگاه و فعال در صحنه سیاست اسلامی است که آگاهی و نیت مندی، شرط و الزام حضوری در سیاست است و لاجرم سیاست اسلامی، روایتی را نیاز دارد که به بازیگری سیاسی آگاهانه منجر شود.

مسئله است و تبیین و تحلیل دقیق مجالی دیگر می‌خواهد؛ سؤالاتی از قبیل جمهوریت چه نیازی به روایت دارد؟ آیا در وضعیت کنونی مصرف رسانه‌ای، جمهوری می‌تواند در منظری محافظه‌کارانه از روایت تحولات پرهیز کند؟ روایت چیست؟

### ضرورت روایت

جمهور یعنی حضور و لازمه حضور و همراهی جمهور با ساختار کلان و خرد نظام به اقتناع نیاز دارد. اقتناع را مسیرها و ابزارهایی است از جمله صداقت، کارآمدی و پاسخ‌گویی. روایت فعال از صحنه سیاست نیز به خصوص در ابهامات و حوادث پیچیده سیاست می‌تواند مقدمات اقتناع را فراهم آورد. البته باید توجه داشت که روایت صرفاً امری منتهی به حوادث و تحولات زودگذر سیاسی نیست؛ بلکه نظام سیاسی باید مبانی مشروعیت بخش خود را نیز ناظر بر ظرفیت اندیشه‌ای روزگار خویش روایت کند و از کهنگی و فرسودگی روایت مبانی نظری خود فاصله بگیرد. جمهوریت در خوانش دینی و اسلامی، حضوری فعال و آگاهانه است. جمهور مسلمان کنشگر آگاه و فعال در صحنه سیاست اسلامی است که آگاهی و نیت مندی، شرط و الزام حضوری در سیاست است و لاجرم سیاست اسلامی، روایتی را نیاز دارد که به بازیگری سیاسی آگاهانه منجر شود. جمهور و اعتماد دوگانه الزامی است میان نظام و نخبگان سیاسی و عموم مردم. نمی‌توان نظام سیاسی را در چارچوبی ساختارگرایانه و در نظمی تحمیلی و بی‌روح اداره کرد و از دموکراسی حقه‌ای سخن گفت؛ چراکه در این صورت این دموکراسی، آن مردم سالاری دینی همراه و فعال و انفسی نیست که از همراهی نفس و امر حکایت دارد، بلکه بازیگر سیاسی را به ابزار قانون تبدیل خواهد کرد و تحمیل را فراهم می‌کند. جمهور در نظام اسلامی کنشگری از سر اعتماد و ایمان است که در منظومه ولی و مؤلی علیه تعریف می‌شود؛ اما مؤلی علیه زمانی با ولی همراه می‌شود که اعتماد وجود داشته باشد و اعتماد محصول عواملی از جمله روایت ولی و ساختار سیاسی از سیاست و تحولات سیاسی است. علاوه بر ضرورت‌های پیش‌گفته، روایت از سیاست و تحولات سیاسی ضرورت‌هایی دارد که به سه دسته تقسیم می‌شوند:

### ضرورت مبنایی

مبنای دینی امر به روایت کرده و نظام سیاسی را به روایت از مبنای و تحولات سیاسی مأمور می‌کنند. بسیار است نصوص مؤید و مؤکد بر این مقال، که در این اجمال نکتهد و تنها به یک مورد اشاره می‌شود. امیرالمومنین (ع) در نامه مشهوری که به مالک اشتر در زمان نصب برای حکمرانی مصر صادر می‌کنند در بخشی چنین می‌گویند: «فَأَصْحِرْ لَهُمْ بِعُدْرِكَ»، عذر خود را در مشکلات برای مردم آشکار کن! «صحرا»